نگاه

تربیت‌پذیری فردی و جمعی - ۵

سیدیوسف مصطفوی

● در نوشتار پیشین به اصل مسوولیت‌پذیری فردی اشاره شد. در پیش نهادن این اصل هیچ در نظر نبود و نیست جز مفاد و محتوای مختصر همان گزاره دایر بر اینکه برخی افراد در برخی شرایط در برابر برخی اعمال خود، دست‌کم مسوولیت اخلاقی دارند. نه قصد آن بوده و هست که از دولت سلب مسوولیت شود و نه آنکه از جامعه در کلیت و یکپارچگی‌اش سلب مسوولیت شود و نه آنکه وجود جامعه و نهادهای اجتماعی و سیاسی، انکار یا در اهمیت و تاثیرگذاری‌شان تردید شود. مقصود همان است که از گزاره در سادگی و اختصارش فهمیده می‌شود. از جمله استدلال‌های خوبی که برای تایید گزاره یادشده می‌توان علاوه بر شهودی بودنش عرضه کرد این است که انکار آن منطقا مستلزم نتایج و لوازمی است که کمتر کسی حاضر به پذیرفتن آن نتایج و لوازم است. گمان نمی‌رود شمار افرادی که همگان را در همه اعمال خود یکسره مبرا می‌انگارند، چندان پر باشد. به همین منوال، اصل دیگری را می‌توان پیش نهاد که اگر نه در آغاز اما در مسیر مباحثات پیرامون اولویت نقد دولت یا جامعه بسیار به کار خواهد آمد و آن هم اصل تربیت‌پذیری افراد انسانی است. تقریبا همه افراد انسانی به‌جز گروهی محدود که البته از مسوولیت‌های حقوقی و اخلاقی و اجتماعی معذور و معافند، تربیت‌پذیرند. عوامل وراثتی یا محیطی ممکن است فرآیند تربیت‌پذیری را دشوار و طولانی یا کوتاه و آسان کند اما اصل و اساس آن را منتفی نمی‌سازد. مشاهدات عمومی ما در جوامع مختلف و در گروه‌های مختلف سنی و جنسیتی و اقتصادی نشانگر آن است که عموم افراد بشر کمابیش همچنان که همیشه آمادگی آموختن چیزهایی را دارند که پیش‌تر نمی‌دانسته‌اند؛ آمادگی پذیرش تدریجی رفتارها و عاداتی را نیز دارند که پیش‌تر به آنها خو نداشته‌اند. یک نمونه ساده و پیش چشم در جامعه ما عادت به بستن کمربند ایمنی به هنگام رانندگی است که روزگاری نادر بود و حتی مشاهده‌اش مایه تفریح خاطر می‌شد اما امروز عادتی جدی و فراگیر شده که ترکش نگاه‌های سرزنش‌بار را نیز می‌تواند در پی داشته باشد. در همه جوامع بشری در طول تاریخ می‌توان کسب یا ترک عادات خوب و بد را مشاهده و مطالعه کرد. اما علاوه بر این همه مشاهدات، می‌توان از طریق برهان خلف استدلال کرد که انکار اصل تربیت‌پذیری فردی و جمعی منطقا مستلزم نتایج و لزومی است که پذیرفتنشان ساده نیست. به‌عنوان نمونه اگر تربیت‌پذیری افراد انسانی را انکار کنیم، فرآیند آموزش و پرورش را باید به عنوان امری بیهوده تعطیل کنیم یا آنکه تربیت فرزندان یا بازآموزی آسیب‌دیدگان اجتماعی را کنار نهیم. به علاوه تلاش برای هرگونه تغییر به‌عنوان یک ماجراجویی بی‌حاصل نیز باید متوقف شود. دولت و نهادهای مدنی نیز نباید با صرف بودجه بکوشند رفتارهایی را ترویج کنند. اگر افراد انسانی رفتارهای خوب یا بد را نمی‌توانند بیاموزند یا ترک کنند پس می‌توان نتیجه گرفت که همه رفتارها و کنش‌های فردی و جمعی تابع نوعی جبر گریزناپذیر است و هرگونه تلاش برای تغییر تقدیر باید کوششی بی‌فرجام تلقی شود؛ امری که ما دست‌کم در مورد خود یا اطرافیانمان به‌سادگی نمی‌پذیریم. اما از سوی دیگر باید در نظر داشت که اصل تربیت‌پذیری دو وجه متفاوت اما مرتبط با هم دارد؛ یکی وجه فردی و دیگری وجه جمعی. تک‌فرزندی که در خانواده‌ای کوچک و بدون رفت‌وآمدهای مکرر زیر نظر والدین خویش و با آداب و اصول و فرهنگ خاص پرورش می‌یابد، تربیت‌پذیری فردی را تجربه می‌کند اما یک نسل که با برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و آموزشی دولت یا تحت‌تاثیر رسانه‌ها یا در کوران جنبش‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی پرورش می‌یابد، یا فرصت پرورش مطلوب را از دست می‌دهد تربیت‌پذیری جمعی را تجربه می‌کند. تذکر به این وجه اخیر از تربیت‌پذیری البته برای آن است که معلوم شود نقش دولت و جریان‌های اجتماعی بر فرآیند پرورش افراد که البته در برابر اعمال ارادی خود مسوولیت دارند تا چه پایه می‌تواند مهم باشد.

دیپلماسی

۲۵سال زندان برای «ارباب سیر»

● **فارس:** «منصور ارباب‌سیر» ایرانی - آمریکایی متهم به توطئه ترور سفیر سعودی در آمریکا به ۲۵سال زندان در آمریکا محکوم شد. به گزارش رویترز، آمریکا ادعا می‌کند ارباب‌سیر با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارتباط دارد. سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان در واکنش به این حکم، با ابراز تاسف از محکومیت فردی بی‌گناه، این حکم را گام دیگری در راستای پروژه ایران‌هراسی توسط آمریکا عنوان کرد.

روسیه به دنبال مصالحه با تهران

● **ایسنا:** مدیر اجرایی شرکت «روستک» گفت که مسکو در تلاش است تا تهران را متقاعد کند از شکایتش علیه شرکت دولتی «روس آبارون اکسپورت» به دلیل لغو قرارداد فروش پدافندهای اس-۳۰۰ به ایران صرف‌نظر کند. سرگئی چمیزوف، مدیر شرکت «روس تخنولوگی» روز پنجشنبه در اردن به خبرگزاری نووستی گفت: شکایت در حال بررسی توسط یک دادگاه داوری بین‌المللی در ژنو است و متاسفانه شانس ما برای پیروزی در این پرونده بسیار کم است. وزارت دفاع ایران و سازمان صنایع هوافضا در آوریل ۲۰۱۱ کیفرخواستی چهارمیلیارددلاری علیه روس آبارون اکسپورت در یک دادگاه بین‌المللی داوری در ژنو به دلیل نقض تعهداتش در قرارداد فروش اس-۳۰۰ به ایران اقامه کردند. مدیرعامل شرکت فناوری‌های روسیه اظهار کرده به دنبال مصالحه با تهران است.

عکس: آیدین رهبر، شرق

«غرضی» بدون روتوش

جواد مرشدی

بعد از ردصلاحیت آیت‌الله هاشمی و مشایی، تاییدصلاحیت مهندس محمد غرضی خیلی شوک‌برانگیز بود، چراکه از نظر سنی او نیز چندان با هاشمی اختلاف سنی ندارد و به‌زعم خودش فقط برای یک دوره ریاست‌جمهوری می‌تواند فعالیت کند. غرضی که سابقه وزارت نفت در دولت دفاع مقدس و پست و تلگراف و تلفن را در دولت سازندگی دارد، سال‌ها از میدان‌های سیاسی دور بود و حالا به‌گفته خودش به حسب احساس تکلیف و برای پایان‌دادن به نابسامانی‌ها پا به عرصه رقابت نهاده. در این گفت‌وگو سعی کردم تا کمتر از برنامه‌های او سوالی بپرسم و او هم در طول مصاحبه مادام اسم مرا اشتباه می‌گفت و وقتی به او گوشزد کردم، گفت: «به خاطر خستگی زیاد و انجام چند مصاحبه در روز است.» مصاحبه با غرضی در شرکت «مشانیر» که قبلا متعلق به وزارت نیرو و سپس وزارت دفاع بود، انجام گرفت؛ شرکتی که پس از خصوصی‌سازی، بیشتر سهامش توسط تعاونی «حسایار» سپاه خریداری شده است.

شما سال‌ها از فضای سیاست دور بودید کجا بودید و چه‌کار می‌کردید؟

من حدود ۷۲ سال سن دارم و ۶۰ سال است که به‌شدت دنبال کار اسلام، انقلاب و ایران هستم و هرگز از آن غافل نشده‌ام. در سال‌های ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۷ که با حضرت‌امام به ایران آمدم خیلی فعال سیاسی بودم، شماها در آن زمان نبودید؛ من در گذشته وزیر و وکیل بودم، خیلی کار کردم، یک سازمان عظیم تحت عنوان سازمان نظام‌مهندسی در کشور درست کردم که بزرگ‌ترین دستاورد این ۲۰سال است و در این سازمان فعالیت فراوانی کردم اما از انظار عموم دور بودم چون اصلا خوشم نمی‌آید که در انظار باشم.

بعد از اینکه از وزارت پست و تلگراف و تلفن کنار رفتید به چه کاری مشغول بودید؟

امام گفتند غرضی برای نخست‌وزیری خوب است دولت‌ها از من دعوت کردند و دولت‌های بعدی هم که دعوت نکردند، من خواستن آنها را کسرشأن می‌دانستم و کار خودم را انجام می‌دادم.

شخصا در این سال‌ها به چه کاری مشغول بودید؟

سازمان نظام‌مهندسی کشور را برنامه‌ریزی می‌کردم و تشکیل می‌دادم و برای اداره کشور تصمیم‌گیری‌ها را با متن جامعه تطبیق می‌دادم. حرف امروز من حرف یک‌روزه نیست؛ من سال‌ها مطالعه کردم، در جلسات متعدد شرکت کردم، نقص‌های دولت‌ها و سازماندهی‌ها را می‌دیدم و بررسی می‌کردم.

یعنی می‌توانیم بگوییم در این مدتی که از میادین سیاسی دور بودید کار کارشناسی می‌کردید، چرا در این دوره کاندیدای ریاست‌جمهوری شدید؟

من خودم را به عنوان فردی که در این اجتماع و کشور زندگی می‌کند نسبت به امور اجتماعی مسوول و متعهد می‌دانم و در جایی که لازم است عکس‌العمل نشان می‌دهم.

چرا حالا آمدید؟

خیلی ساده است. من دیدم کشور و جامعه به دلیل مسایل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در یک بحران طولی و عرضی قرار گرفته و گفتم حالا که شرایط سخت است موقع آمدن است چون در شرایط آسان هر کسی می‌تواند کار کند.

رقبای خود را در چه حدی می‌بینید؟

احساس نمی‌کنم رقبایم به غیراز روش گذشته بتوانند عمل کنند و به روش جدیدی روی بیاورند، چون خود اینها محصول روش‌های گذشته هستند. برای همین وقتی از من پرسیدند که به نفع کسی کنار می‌روم یا نه؟ من گفتم که نفعی در این عزیزان نمی‌بینم تا کناره‌گیری کنم.

با اینکه عضو موتلفه هستید چرا موتلفه از شما حمایت‌نکرد؟

من هرگز با هیچ‌کس همدم نبودم. روزنامه‌نگارها به دلیل سیاست کارشان اشخاص را به گروه‌های مختلف متصل می‌کنند، مثلا از اول می‌گفتند که این با طیف راست است و چون با عسگراولادی نشست و برخاست دارند، پس با آنهاست

اتفاقا تاکید من هم روی شخص عسگر اولادی است.

اما نه؛ من اصلا با عسگراولادی کاری ندارم. من با مرحوم‌بهشتی از قبل از انقلاب کار می‌کردم. ایشان بعد از انقلاب از من خواست که در حزب (جمهوری اسلامی) کار کنم. من گفتم به دلیل گرایش شما به حزب با شما کار نمی‌کنم. در جلسه‌ای من ضد تحزب صحبت کرده بودم که ایشان برای من پیغام فرستادند و گفتند که شما ضد تحزب هستید، می‌ترسید و ضد حزب صحبت می‌کنید و من جواب دادم بله من با حزب مخالف هستم.

یعنی شما با مرحوم بهشتی دچار چالش شدید؟

بله، ما از اول هم دچار چالش بودیم.

حتی قبل از انقلاب؟

بله، چون من کار تفنگداری و تیراندازی می‌کردم و ایشان کار فرهنگی می‌کردند. ما از دو طیفی بودیم که نسبت به بعضی چیزها مثل رابطه با آمریکا باور متفاوتی داشتیم؛ من سخت می‌گفتم که باید آنها بروند وگرنه نمی‌شود کار کرد و بعدا توده‌ای‌ها، فدایی‌ها و نهضت‌ملی‌ها هم همین را گفتند. من می‌گویم «سایه سیاست خارجی مستدام نباد» وگرنه مثل ترکیه می‌شدیم که زمانی آمریکا از آنها حمایت می‌کرد و الان از آنها می‌خواهد علیه سوریه بجنگند. هزینه شبکه «پاتریوت» چندصدمیلیارددلار است و جیب فقرا را خالی می‌کند که چه بشود؟

حاج‌آقا شما طفره می‌روید. من پرسیدم چرا موتلفه از شما حمایت‌نمی‌کند.

من از اول هم با آنها نبودم و رابطه سیاسی نداشتم چون آنها با مرحوم بهشتی بودند و حزب داشتند. چرا گفتی طفره رفتی؟ دلم را سوزاندی. معلوم می‌شود که حواست به من نیست. من در عمرم عضو هیچ دسته و گروهی نبودم.

یعنی شما هیچ گرایش سیاسی نداشتید؛ مثل چپ یا راست؟

آدمی که سیاست را می‌فهمد این تقسیم‌بندی‌ها را قبول ندارد. گرایش من نوعی تمایل است و بدون شناخت از سیاست که نمی‌شود کار کرد و سیاست هر کشور، انعکاس استعداد مردم آن کشور است.

گرایش شما به سمت اصولگراها بیشتر نیست؟

نه، اصلا من اصولگراها را به عنوان آدم‌های سیاسی در این کشور قبول ندارم چون آنها جامعه را بخشی نگاه می‌کنند‌ای داد بیداد. ببینید، انقلاب متن دارد و اینها می‌گویند ما از متن انقلاب هستیم و در متن هستیم در حالی که اگر در متن باشند طرفدارهای خود را با دو دوره حکومت از دست نمی‌دهند و خود را به آسمان وصل نمی‌کنند

منظور شما آقای احمدی‌نژاد است؟

من هر دو را می‌گویم. آقای خاتمی هم اینگونه بود. ایشان هم با نوری سر کار آمد و از ته چاه درش آوردند.

منظور شما ناطق نوری است؟

بله ناطق.

اما سیدمحمد خاتمی فرق داشت. ایشان شناخته‌شده بود و زمانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بودند، به‌غیراز مدیرمسوولی ایشان در روزنامه کیهان.

بله. درست است اما ایشان هم همینطور بود. ایشان با آقای هاشمی دعوا داشتند و آقای هاشمی از من خواست که ایشان را برگردانم. آقای خاتمی به من گفت اگر به‌اندازه آقای نوربخش مرا حمایت می‌کند می‌آیم اما من مخالف این نگاه بودم. گفتم مردحسابی تو یک وزیر هستی و از طریق قانون باید عمل کنی و اگر بخواهی رییس‌جمهور از تو حمایت کند همان بهتر که بروی و... من هرگز از قدرت سیاسی به نفع کارهای اجرایی بهره نخواهم گرفت. می‌بینی الان همه خود را صاحب انقلاب می‌دانند مثلا یک‌روز حزب مصباح صاحب می‌داند و یک‌روز جبهه ملی، جبهه مشارکت، جبهه آزادی که همه اینها روزی قدرت داشتند اما الان همه در حاشیه‌اند. اینها به‌جای اینکه اعتبار نظام را بالا ببرند؛ اعتبار نظام را پایین آوردند. اینها همه در حاشیه هستند. مردم ما برای انقلاب ۹۸درصد رای دادند و الان همه از حمله آمریکا می‌ترسند. چرا آمریکا آن موقع حمله نمی‌کرد، چون رای مردم ۹۸درصد بود و ما باید آن را بررسی کنیم که چرا الان کم‌شده؟

منظور شما مشارکت مردمی است؟

نه. شما جواب بدهید مگر ما ۹۸درصد رای نداشتیم.

منظورتان رفراندوم جمهوری اسلامی است؟

بله برای انقلاب اسلامی بود که مال مردم بود. انقلاب مال مردم است؛ اما بعدا مردم به فرهنگ خود رفتند و گروه‌ها به فرهنگ خودشان و باید با فرهنگ ایرانی-اسلامی با اینها تعامل کنید، عده‌ای حلال و حرام می‌کنند و خلاف آن عمل کرده‌اند مثل مساله اقتصادی که خلاف گفته خود عمل می‌کنند؛ خوب اگر مردم بخواهند به اینها رای بدهند که نمی‌شود. در واقع اینها هستند که بیش از ۴۰-۳۰درصد آرای مردم را ندارند برای همین هم هست که می‌ترسند آمریکا حمله کند.

آقای مهندس در کشور یک‌سری افراد هستند که رای خاکستری دارند، ما چطور می‌توانیم آنها را پای صندوق‌های رای بیاوریم و برای شرکت در انتخابات ترغیب‌کنیم؟

باید به متن مردم و انقلاب برگردیم.

فکر می‌کردید که شما را تاییدصلاحیت کنند؟

نه. فکر نمی‌کردم تاییدصلاحیت بشوم.

چرا؟

من برای خودم این قضیه را حل کرده‌بودم که اگر تایید نشوم یک نظام اسلامی من را تایید نکرده.

و اعتراض نمی‌کردید؟

نه.

بعد از ردصلاحیت آقای هاشمی و مشایی تاییدصلاحیت شما به دلایلی خیلی شوک‌برانگیز بود؛ چون فاصله سنی شما با آقای هاشمی خیلی نیست.

من به دو دوره فکر نمی‌کنم و به یک دوره فکر می‌کنم.

خب بگذریم. این طرح شما (۱+۵۵) همان طرح تلفن زمان وزارتتان نیست؟

چرا. آن موقع می‌گفتم ۵۵=۱ یعنی اینکه من یک‌سال به اندازه ۵۵سال کار کردم و الان می‌گویم ۱+۵۵. یعنی اینکه ۵۵میلیون نفر رای دارم. یک نفر از من پرسید مگر رای‌های خودت را شمردی و من جواب دادم نه این شعار همه هست و مگر خود شما مشکلت تورم نیست؟

اما ما ۵۵میلیون نفر نداریم که دارای شرایط رای‌دادن باشند؟

بله. گفتم من این آمار را از رسانه‌ها گرفتم. من از حرف خودم برنمی‌گردم؛ آنها سن رای را یک‌سال پایین بیاورند درست می‌شود... (می‌خندد)

در مورد وقایع ۸۸ چه نظری دارید؟

من از دو واقعه حرف می‌زنم که یکی در ۷۸ و یکی در ۸۸ اتفاق افتاد. در دولت آقای هاشمی ارز ۱۵۰ تومان بود و وقتی ایشان رفتند ۴۵۰ تومان شد و در دولت خاتمی هزارتومان شد. مردم به دلیل تورم به خیابان ریختند. سال ۷۸ غیرسیاسی بود و کاملا اجتماعی بود.

اما آغاز مساله به خاطر بسته‌شدن روزنامه «سلام» بود.

نه. مردم به روزنامه «سلام» اعتراض نکردند، مردم به تورم اعتراض کردند. آن یک جرقه بود.

و سال ۸۸؟

با آمدن احمدی‌نژاد سکه ۹۰هزار تومانی، ۴۰۰هزار تومان شد و مرغ هزارو۴۰۰تومانی، چهارهزارتومان.

نظرتان در مورد حوادث پس از انتخابات چیست؟

آن راهپیمایی سکوت علیه احمدی‌نژاد بود نه حمایت از موسوی و کروبی.

با من کمی مهربان باش.

چشم! آخرین کتابی که خواندید چه بود؟

نسل من با سه چیز آشنا نشد. ما با مطبوعات آشنا نشدیم و روزنامه را مظلمه می‌دانستیم و از مطبوعات بیزار بودیم. یک روزنامه در خانه من و پدرم نبود و با ورزش هم آشنا نبودیم و از در سینما رد نمی‌شدیم. ورزش را تخریبی و مطبوعات را عنصر تحمیلی می‌دانستیم و هنوز اینطوری هستم و وقتی مطبوعاتی‌ها جلویم سبز می‌شوند بدنم می‌لرزد.

البته شکر خدا الان و در مواجهه با من لرزش ندارید. شاید قبل از انقلاب به شما اینگونه القا شده بود اما بعد از انقلاب چرا؟

القا نشده، من هروقت هرچه گفتم برعکس آن چاپ شد من هنوز رسانه‌ها را عامل صالح تشخیص نمی‌دهم و از آنها می‌ترسم و به‌ورزش نزدیک نمی‌شوم هرچند که عظمت اجتماعی دارد و جوان‌ها را به‌کار می‌گیرد و مدام می‌پرسم فایده آن چیست؟ در نهایت اگر به طول عمر مردم کمک کند با آن موافق هستم سینما این عنصر عظیم فرهنگی چه اثر اجتماعی دوام‌داری در جامعه گذاشته است؟ به‌جز اینکه فقط چهار نفر معروف شدند مثل فرهادی که اینجا کار را یاد گرفته و آنجا پولدار شده و اما آموزش‌وپرورش از دوره رضاشاه تا الان معتقدم که به‌درد نمی‌خورد؛ چون یکسری محفوظات را به خورد ملت و جوان‌های ما داده. جوان‌های خارجی در ۱۹سالگی صاحب کار می‌شوند و مال ما تا ۳۰سالگی بیکار است.

قبل از انقلاب سینما نرفتید؟

من قبل از انقلاب فیلم گاو را دیدم و بعد از انقلاب هم نه.

یعنی حتی یک‌بار سینما نرفتید؟

چرا رفتم و گاهی شب تا صبح آنجا خوابیدم از ترس ساواک و چون سینما خلوت بود مسوول‌سینما با ما و خوابیدن ما در آنجا کاری نداشت.

یعنی چشمتان را می‌بستید؟

شما من را درک نمی‌کنید. من بدنم می‌لرزید وقتی اینها را می‌دیدم که مغایرت با دین و فرهنگ داشتند و یا چطوری باعث بی‌بند و باری می‌شد.

بعد از انقلاب چی؟

فیلم «کلاه قرمزی» را دیدم و یک‌بار بچه‌ها خواستند بروند و من هم از آنها خواستم که بروم که گفتند به درد تو نمی‌خورد.

الان که با رسانه‌ها آشتی کرده‌اید؟

نه. من «آرمان» (چپ تند) و «کیهان» (راست تند) را که تند و تیز است می‌خرم و فقط تیتر آن را یک نگاه می‌اندازم و می‌فهمم در مملکت چه خبر است؛ یعنی روزنامه‌های نیش‌دار را می‌خوانم و می‌فهمم که چه سیاستی دارند. «شرق» خیلی سیاست تند و تیزی ندارد و من وقت ندارم همه را بخوانم.

آخرین کتابی که خواندید چه بود؟

من تا سال ۴۲ هر مکتب عرفانی و فلسفی، مارکسیسم، را می‌دیدم و به عنوان مثال حکمت در اروپا... .

سیر حکمت در اروپای فروغی؟

بله؛ و از سال ۴۲ به این‌طرف جز کتاب‌های تاریخی و قرآن چیزی نخواندم. کتاب‌هایی که اخیرا منتشر می‌شود دایم فهرست‌شان را می‌بینم ولی هرچه می‌خواهم که خودم را با مطالب آن آشنا کنم نمی‌شود چون با دستاوردهای خودم مغایرت پیدا می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۲

الو شرق ۸۸۹۸۶۸۳۸

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **همزمانی دردسرآفرین امتحانات و انتخابات:** به دلیل اینکه مقرر شده مدارس، پیش از برگزاری انتخابات تعطیل شوند، این روزها مدارس هم درگیر برگزاری امتحانات و هم ثبت‌نام برای سال آینده هستند. به این دلیل که فقط یک نفر از کادر مدرسه برای این کار اختصاص یافته، والدین زمان زیادی برای ثبت‌نام فرزندشان معطل می‌شوند.

یک شهروند

● **ایستگاه شارژ برای کارت‌خوان‌ها:** در خیابان‌های شهر تهران، پارکومترهای زیادی نصب شده تا به محض پارک کردن زیر آن پلیس‌های راهنمایی و رانندگی ماشینی که پارک شده را جریمه کنند. اما دریغ از اینکه ایستگاه‌های شارژ کارت‌پارک در خیابان‌ها وجود داشته باشد. این کار فقط راهی برای جریمه کردن شهروندان است. لطفا به کیوسک‌های مطبوعاتی، امکان شارژ کارت‌پارک بدهید تا شهروندان بتوانند به قانون احترام بگذارند.

یک شهروند

● ما ۴۰نفر هستیم که در بخش خدمات شهرداری منطقه چهار کار می‌کنیم و حدود دوسال از استخدام ما می‌گذرد ولی تا حالا زیر نظر شهرداری با قرارداد مستقیم نرفته‌ایم.

● متاسفانه در شهرستان ۲۰۰هزارنفری مسجدسلیمان به‌جز در پادگان‌های ارتش حتی یک عدد پرچم مقدس جمهوری اسلامی دیده نمی‌شود. امیدواریم مسوولان این شهرستان نصب پرچم مقدس کشورمان را در میادین و پارک‌ها و جاهای دیگر این شهرستان در دستور کار خود قرار دهند.

شهروندی از مسجدسلیمان

● اگر آقای قالیباف بتوانند مشکل موتورسواران و بی‌قانونی‌های آنها را حل کنند صددرصد مردم به ایشان رای می‌دهند.

● متاسفانه برخی مدارس با بی‌قانونی و بی‌ارزش نشان‌دادن بخشنامه‌های آموزش‌وپرورش هنگام ثبت‌نام، فقط در صورت اخذ مبلغی وجه نقد (از ۵۰هزارتومان به بالا) ثبت‌نام می‌کنند و در غیر آن تکمیل ظرفیت و... را بهانه قرار می‌دهند. لطفا مسوولین مربوطه نظارت بیشتری داشته‌باشند.

مصطفی‌اندیشه

● با تشکر از آقای مژده‌آذر رییس انجمن داروسازان ایران که با گفتن مشکلات داروخانه‌داران و صحبت در مورد مطالبات آنها و سازمان‌های بیمه مقداری از مشکلات ما را بیان کردند از ایشان خواهش می‌کنم راهکاری عملی ارایه دهند. متاسفانه در یک‌سال اخیر هر چند مدت یک‌بار ایشان این مشکلات را بیان کرده ولی متاسفانه مشکل ما هنوز حل نشده است.

داوودی